

تاریخ سیاقی یا تاریخ پادشاهان عجم

به کوشش مریم شاه حسینی^۱

مقدمه

در طول تاریخ پر فراز و نشیب ایران از عهد باستان تا زمان حاضر، به لحاظ شرایط و مقتضیات خاص هر برهه از تاریخ این سرزمین، شاهد خلق انواع مختلفی از آثار و تألیفات تاریخی هستیم که به نوعی بازتاب اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و فکری جامعه آن روزگار بوده است. با مطالعه و شناخت جریان کل تاریخ ایران، درک اوضاع حاکم بر آن، توجه به اهمیت و جایگاه نهاد سیاسی - حکومتی، به عنوان عامل محرک در خلق آثار و متون تاریخی، می‌توان شناخت جامعی از سبک تاریخ‌نگاری در ایران به دست آورد و به دیدگاه و جهان‌بینی مورخ و روش او در تألیف اثر پی برد؛ بنابراین این می‌توان گفت هر متن تاریخی، محصول زمانه خویش است؛ یعنی وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر فضای جامعه‌ای را که متن در آن تولید شده، منعکس می‌نماید. پس بدون شناخت شرایط زمانه، نمی‌توان به بررسی متن تاریخی پرداخت و از آنجا که در تاریخ، با متون تاریخی سر و کار داریم، نمی‌توانیم بدون توجه به نگرش مورخ و شرایطی که او در آن رشد یافته، به مطالعه و بررسی متن تاریخی بپردازیم. نکته دیگر اینکه در شناخت متون تاریخی، باید به تمام جنبه‌های ادبی و زبان‌شناسی اثر نیز توجه نمود، زیرا سبک و شیوه نگارش هر متن تاریخی، برآمده از شرایط و اوضاع جامعه آن روزگار است.

سبک تاریخ‌نویسی در دوره قاجار (دوره‌ای که کتاب در آن نوشته شده)، ادامه سنت تاریخ‌نگاری در ادوار گذشته است، به طوری که شاهد تألیف آثاری در زمینه تواریخ عمومی و سلسله‌ای، خاطره‌نگاری و وقایع‌نگاری روزانه هستیم، گرچه با ورود اندیشه‌های جدید، متحول شده است. از جمله کتبی که در این

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، مطالعات خلیج فارس، دانشگاه تهران

دوره به شیوه تاریخ عمومی نگاشته شده و احوال سلاطین و شاهان ایران را منعکس کرده، کتاب تاریخ سیاقی یا تاریخ پادشاهان عجم است.

تاریخ سیاقی، همان‌طور که از عنوان آن بر می‌آید، کتابی است که در آن عناوین، اعداد و تواریخ، به سبک و اسلوب خط سیاق^۱ نگارش شده و محتوای آن شامل تاریخ پادشاهان عجم، از پادشاهی کیومرث پیشدادی تا اوایل روزگار محمد شاه قاجار (حدود سال ۱۲۴۹ ه.ق.) است.

درباره مورخ

در نسخه‌های متعدد موجود، نامی از مؤلف کتاب ذکر نشده، ولی در نسخه مورد بحث، مؤلف در ذیل سجایای محمد شاه قاجار، خود را این‌گونه معرفی کرده است: «چنانچه فقیر حقیر، مهدی سمنانی که قدمت خدمتم وسیله اعتبار آمده، خود مورد تفقدات شاهانه و نوازشات خسروانه گشته، محسود امثال و اقران خود گوی^۲ مفاخرت ربوده‌ام.» با توجه به عبارتی که در حاشیه بالای صفحه آخر کتاب آمده، زمان تألیف کتاب، حدود قرن ۱۳ ه.ق است.

نکته مهم اینکه نویسنده در اینجا، به موضوع ولیعهدی ناصرالدین شاه و پادشاهی وی و نیز وزارت امیرکبیر اشاره کرده و برای خوشایند شاه، به بدگویی از وی پرداخته است: «بعد از آنکه وارد دارالخلافه و جلوس ناصرالدین - خلدالله - واقع گردید، وزیر ایران و داماد شاه شد. چون تسلط یافت، بی‌اعتنایی به شاه کرد؛ کل اعیان دیوب خانه را از زیارت سلطان ممنوع داشت، به نوعی که کسی را یارای آن نبود که در محل عبور[...]] به در خانه پادشاهی نماید.» به نظر می‌رسد نویسنده عمداً این ماجرا را در حاشیه نوشته تا خواننده را از زمان تألیف آن آگاه کند.

معرفی نسخه

نسخه مورد نظر، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۳۱۲۳۵ به ثبت رسیده که جلد آن تیماج قرمز رنگ بوده و طول صفحات آن ۳۱ و عرض آن ۲۰/۵ است. زبان آن فارسی است و موضوع آن تاریخ است و در ۸۲ برگ به خط شکسته نستعلیق تحریری نوشته شده است. که خواندن آن دشوار نیست، اما عناوین، اعداد و ارقام و تواریخ موجود، به خط سیاق آمده است. نسخه خطی مورد بحث، نسخه «آرایه‌ور» است؛ چون در آن از مرکب‌های رنگی نظیر قرمز (شنگرف) برای ممتاز گرداندیدن سر عناوین و تیترها

۱. سیاق، شیوه ای است از عدد نویسی رمزگونه، برای ثبت و آگاهی از ارقام نقدی (پول) و جنس (اوزان کالا) که در گذشته تاریخی در پهنه کشور ایران و سرزمین‌های پیرامون آن متداول و تمامی درآمدهای جاری در جامعه، با این ارقام توسط اشخاص، کسبه، تجار، مؤسسه‌ها و مأموران در دیوان‌های محاسبه ثبت و ضبط می‌گردید. میزان و حساب رسانی، زیر نظر مستوفیان، بر دخل و خرج این درآمدها و هزینه‌ها نظارت داشتند. حنفی نژاد، جواد کوششی در آموزش خط سیاق، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۷.

۲. در رسم الخط نسخه مزبور، به جای حرف «گ»، حرف «ک» نوشته شده است.

استفاده شده است.

در آغاز کتاب، چنین آمده است: «تاریخ پادشاهان عجم و غیره که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند.» و پایان آن به این سخن، ناتمام مانده است: «توضیح این مقال، علی سبیل الایجاز و الاجمال، آنکه چون مرحوم فتحعلی شاه در سنه ۱۲۴۹ ه.ق. به عزم سفر اصفهان از دارالخلافه نهضت وارد اصفهان...» نویسنده شرح هر سلسله را از ابتدای صفحه آغاز کرده و گاهی اوقات به دلیل کمبود فضا یا برای تفتن، در حاشیه صفحات، مطالب را به اشکال مختلفی همچون لوزی یا مثلث نوشته است. در صفحه آغازین کتاب، بالای صفحه سمت چپ، مهری مربع شکل با مرکب آبی نقش بسته که عبارت آن «الواثق بالله العنی، محمد صادق طباطبایی^۱» است که البته گوشه پایین سمت راست مهر، عبارت الواثق افتادگی دارد و کمی ناخوانا است. نویسنده در ذیل عنوان اصلی «در ذکر تاریخ پادشاهان عجم و غیره که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند»، عبارت «رقم شده و غیره؛ هشتاد و چهار ورق» را به خط سیاق نوشته است و در پایین آن عبارت «نوشته: هشتاد ورق، نوشته: چهار ورق» را ذکر کرده که با توجه به آن، در می‌یابیم کل اوراق این نسخه، ۸۴ ورق است. همچنین، احتمال می‌رود که مورخ یا کاتب، این سه صفحه را بعد از اتمام کل نسخه نوشته و به عنوان فهرست مطالب، به ابتدای آن افزوده است.

در سجالات (حاشیه) صفحه اول، بالای صفحه، عبارت «هدایت الله منشی [خلیقه] ابتیاعی اجل شیرازی» دیده می‌شود و در کنار آن، مهری بیضی شکل با عبارت «هدایت الله»، به رنگ مرکب سیاه نقش بسته است که شاید کاتب نسخه خطی باشد.

طرز تحریر مطالب، چون نگارش سیاق است؛ عناوین و اعداد به خط سیاق و مطالب و شیوه تحریر آن، به صورت دو ستونی، مانند دفاتر بازرگانان است. برای نمونه در ابتدای سلسله بنی‌امیه، چنین گفته است: «ابتدای خلافت بنی‌امیه الی انتهای دولت فتحعلی شاه قاجار (انارالله برهانه) « ۲۲۰ فی مدت حکومت عدد ۲۲۰، به خط سیاق نوشته شده و شاید حاکی از تعداد پادشاهانی باشد که از آغاز خلافت بنی‌امیه تا پادشاهی فتحعلی شاه قاجار، بر ایران حکومت کرده‌اند. روی پاره‌ای از عبارات و برخی از سر فصل‌ها و روی اسماء یا اعلام و سال‌ها با مرکب قرمز، خط‌کشی شده است. موضوعات شامل سلسله‌ها یا ملوک و سلاطین، با خطی به نام «دفعه» از هم تفکیک شده و صفحات نسخه نیز دارای رکابه است.

علاوه بر این، احوال و طول مدت سلطنت و آثار خیری که از هر پادشاه برجای مانده، به طریق سیاق آمده است. هم چنین هر تاریخی مثل سال حکومت یا سال تولد و مرگ فرمانروایی را که درون متن به عدد آمده، به خط سیاق، ذیل احوال پادشاهی آورده و به طور کلی، تمام تواریخ را به عام و ماه و یوم نقل کرده که سال و روز را به عربی، ولی ماه را به فارسی نوشته است. شاید برای جلوگیری از اشتباه، ماه را به صورت فارسی آن به کار برده است. (چون شهر در عربی، همان ماه و در فارسی به معنای آبادی است.)

۱. این شخص، رئیس مجلس شورای ملی در دوره ی سیزدهم بوده که کتاب را به کتابخانه مجلس شورای ملی اهداء نموده است.

مورخ در برخی نقاط، اشعار یا جملاتی را آورده که مجموع حروف آن به ابجد، بیانگر سال به حکومت رسیدن پادشاه یا مرگ آن است. برای مثال، لفظ «ای وای کریم خان مرد» به حروف ابجد، تاریخ وفات کریم خان را در سال ۱۱۹۳ ه. ق. بیان می‌کند. رسم الخط این نسخه، همانند گونه رایج در عهد قاجاری است که به جای حرف «گ»، حرف «ک» آورده، از گذاشتن مد روی الف خودداری شده و از حرف زاید «و» در برخی لغات استفاده نموده؛ برای مثال کلمه «خاندان» را به صورت «خواندان» آورده است.

تقسیم بندی کتاب

تاریخ سیاقی، تاریخ کوتاه جهان و ایران است که به دو بخش پیش و پس از اسلام تقسیم شده که بخش پیش از اسلام، با افسانه‌های باستانی و کهن ایرانی برابر بوده و حوادث ابتدایی آن، جنبه اسطوره‌ای دارد، ولی بخش پس از اسلام، بر اساس مستندات و کتب تاریخی تألیف شده است؛ بنابراین می‌توان تاریخ سیاقی را به دو بخش اساطیری و تاریخی تقسیم نمود که در آن نویسنده به صورت مختصر و به طریق سیاق، پادشاهان، سلاطین و وقایع را به ترتیب نگاشته است و هر بخش آن به فصولی تقسیم شده: بخش اول مشتمل بر چهار فصل پیشدادیان، کیانیان، ملوک طوایف (که خود به سه بخش ابطحش رومی، اشکانیان، اشکانیان) و ساسانیان است که البته مؤلف در اینجا، از ملوک عرب معاصر با این سلسله‌های ایرانی سخن گفته که این ملوک عرب عبارتند از: بنی تیمم، بنی غسانیه و حمیر در یمن.

بخش دوم شامل چهار فصل است که در فصل اول به طور مفصل به نبوت حضرت محمد(ص) و خلفای ثلاثه پرداخته است. او احوال ائمه معصومین را به طور مختصر، اما مفید بیان کرده و در پایان، شرح هریک از امامان، زمان امامت و خلافت را به خط سیاق، در دو ستون آورده است.

در فصل دوم، احوال خاندان بنی‌امیه از ابتدا تا پایان پادشاهی فتحعلی شاه قاجار ذکر شده که شامل دو خاندان بنی‌امیه و بنی‌عباس است.

در فصل سوم، به سلاطین معاصر خاندان بنی‌عباس پرداخته که شامل چندین سلسله است که از آن جمله‌اند: طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، آل بویه، سلجوقیان (ایران، روم و کرمان)، خوارزمشاهیان، اتابکان (فارس، شام و دیار بکر، عراق)، اسماعیلیان ایران (مغرب، آل ایوب و غلامان)، سلاطین قراخطای. در این فصل، از ذکر دو حکومت محلی آل زیار و علویان طبرستان غافل شده که شاید برای اختصار و دوری از اطناب، به شرح آنها نپرداخته است. از اینجا به بعد، بدون بخش‌بندی، تمامی سلسله‌ها را به ترتیب آورده است که عبارتند از: مغولان، حکام ملوک طوایف (شامل شش حکومت محلی: چوپانیان، ایلکانیان، امیر شیخ ابواسحاق اینجو، مظفریان، ملوک کرت و سربداران)، پادشاهان ترک (شامل سه خاندان آق قویونلو، قراقویونلو و ازبکان)، صفویه، افشاریه و سایر شاهان آن، خوانین زند و سایر خوانین آن و قاجاریه که خود سر فصل‌هایی دارد: «از بدو خروج محمد حسین خان تا پایان دولت فتحعلی شاه قاجار - رحمة الله تعالی»، آقا محمد خان و فتحعلی شاه، زنان و اولاد فتحعلی شاه، محمد علی شاه قاجار.

البته همه اینها در ذیل فصل «از ابتدای خلافت بنی‌امیه تا پایان دولت فتحعلی شاه قاجار» گنجانده شده‌اند. مورخ قبل از آنکه وارد بحثی شود، نام سلسله یا خاندانی را که در ادامه به آن خواهد پرداخت، به طور مختصر در پایین صفحه، سمت چپ آورده تا ذهن خواننده را از موضوع بحث بعدی آگاه کند.

محتوای کتاب

همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، کتاب به دو بخش اساطیری و تاریخی تقسیم می‌شود که در بخش اساطیری، مورخ تاریخ خود را از کیومرث، پادشاه پیشدادی آغاز کرده که به عنوان اولین انسان در اسطوره‌های ایرانی با حضرت آدم (ع) برابری می‌کند. او به دلیل علایق شخصی به وطن و تاریخ کهن آن و نیز گرایش‌های ملی‌گرایانه‌اش، اقدام به تألیف چنین کتابی نموده و به همین جهت، آن را تاریخ پادشاهان عجم نامیده است. این تاریخ، اختصاص به یک سلسله خاص نداشته یا در مدح و ستایش سلطان یا پادشاه نوشته نشده، بلکه تاریخی است جامع، اما مختصر که تمامی شاهان ایران را از ابتدا تا روزگار محمد شاه در برداشته و عناوین و القاب^۱، صفات و خصوصیات^۲ و وقایع مهم^۳ دوران هر یک از پادشاهان را به خوبی بر شمرده است و از بیان معاصران آنها (پیامبران، علما، فلاسفه و حکما)^۴ غافل نبوده است. مورخ هر را در اختیار داشته یا از جایی شنیده، در کتاب خود به طور مختصر و مفید آورده، بدون آنکه صحت آن را اثبات کند؛ این نکته را از جمله «الله اعلم به حقایقه» می‌توان دریافت. برای نمونه، آنجا که از کیومرث پیشدادی سخن می‌گوید، بنای شهرهایی چون اصطخر فارس، بلخ، اردبیل و اموری نظیر ساختن زین، براق و سواری اسب و استر یا بافتن را به او نسبت داده که تا حدی غیر قابل باور است.

در بخش اساطیری کتاب، حوادث ابتدایی جنبه افسانه‌ای و غیر قابل باور دارد. برای مثال، او مرگ زرتشت را به دست یک شیرازی می‌داند، در حالی که در تاریخ به طور صریح نمی‌دانیم زمان دقیق مرگ زرتشت چه موقع است، چه رسد به آنکه هویت کسی را که عامل مرگ او بوده، بشناسیم. مورخ، افسانه و اسطوره را با تاریخ در هم آمیخته و این در فصل‌های مختلف کتاب مشهود است. او در ذکر برخی وقایع، از عباراتی نظیر «به اعتقاد بعضی، به قولی، به روایتی» بهره برده و روایاتی را که احتمال بیشتری به صحت آن می‌رفته، با عبارت «اصح» مشخص نموده است.

در بخش تاریخی، مورخ از منابعی چون *نقایس النفوس* شمس‌الدین املی، *مروج الذهب* مسعودی،

۱. علت نامگذاری بهمن، اردشیر دراز دست چنین است: «دست تصرف به اکثر معموره عالم دراز کرد؛ از این جهت او را دراز دست گویند.»

۲. ضحاک ده عیب داشت؛ فارس‌یان او را ده آک می‌گویند، یعنی دارنده ده عیب: بت‌گری، کوتاهی قد، بیدادگری، بی‌شرمی

۳. زرتشت در زمان گشتاسب ظهور کرد.

۴. برای نمونه، منوچهر پیشدادی را معاصر حضرت شعیب (ع)، هارون و موسی (ع) دانسته یا گشتاسب را هم‌عصر جاماسب پنجم یا سقراط آورده است.

تاریخ الرسل و الملوك اصفهانی، زبده المجالس، تاریخ یافعی، مرآت الجمال، نگارستان، ظفرنامه شرف الدین یزدی در تاریخ خود استفاده کرده است.^۱ او برای اولین و آخرین شاهان هر سلسله و به سبب اهمیت‌شان در تاریخ، شرح نسبتاً جامعی ارائه داده و در مواردی، گرفتار افسانه‌ها و توضیحات مبالغه‌آمیز شده است؛ مثلاً برای خسرو پرویز گفته: «تاجی داشت به وزن شصت من از زر ناب، مرصع به جواهر نفیسه، به زنجیر زر از سقف ایوان محکم کرده بودند. چنانچه هر گاه بار عام دادی، بر سر او بودی. و دگر تختی داشت از عاج و شاخ که در مدت سه سال، سی نفر استاد زرگر که هر یک بیست نفر شاگرد داشت، از عاج و شاخ در آن کار کرده بودند.»

مورخ، تاریخ زندگی پیامبر و معصومین و وقایع و حوادث حیات ایشان را شرح داده و در اثنای تاریخ خود، از مدیحه سرایی و ثنا گویی خودداری کرده است، ولی هر جا که از خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس یاد نموده، آنها را با لفظ «ملعون» خطاب کرده است. مثلاً درباره خلفای ثلاثه گفته: «هر سه ملعونان» یا درباره معاویه چنین آورده: «معاصر با امام حسن (ع) از فضای جور معاویه، ابن ابا سفیان عبیداللعنه و سران او هستند.» با توجه به اینکه کتاب، مربوط به قرن ۱۳ ه.ق. است و گرایشات شیعی و مذهبی در ایران بعد از سلسله صفویه قوی بوده است، ولی چندان خشم و نفرتی نسبت به خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس ابراز نداشته و جز برخی موارد که در خطاب به آنها از لفظ «ملعون» استفاده کرده یا در ذکر مرگشان، عبارت «به درک واصل شد» را آورده است، در دیگر موارد، بدون سوگیری و به طور ملایم و نرم درباره‌شان سخن گفته است. با وجود این، به جهت علایق دینی و گرایشات شیعی، علت واقعه‌ای مثل عاشوراء و شهادت امام حسین (ع) را به سبب کینه و دشمنی و خودخواهی یزید در ماجرای خواستگاری‌اش از همسر عبیدالله زید می‌داند و جریان را این‌گونه شرح می‌دهد:

«یزید در حال حیات پدر، به زوجه عبدالله زبیر عاشق شده، از در التماس تزویج نمود. معاویه به حيله، آن زن را از عبدالله طلاق گرفته، ابوموسی اشعری را فرستاد تا برای یزید خطبه کند. در اثنای راه، هاشم بن عباس بن عبدالمطلب و بعد از او امام حسین (ع) به او گفت که برای ما هم حرفی بزن. ابوموسی مقام هر سه را گذارد؛ زن به فراش حضرت امام حسین (ع) رغبت نمود و این قضیه، موجب عناد یزید شد.» این گفته، بالا حاکمی از تعصب مذهبی مورخ است، زیرا در ماجرای خواستگاری امام حسین (ع) از همسر زید، هدف امام (ع) منصرف کردن وی از ازدواج با یزید بود و در تاریخ، علت کینه و دشمنی یزید با امام (ع) به دلیل خودداری ایشان از بیعت نقل شده است. به نظر می‌رسد هدف مورخ از نقل ماجرای بالا این بوده که یزید را که چهره‌ای منفور و ملعون است، طوری بشناساند که به خاطر خودخواهی در چنین امری، اقدام به شهادت امام و یارانش نموده است.

۱. از تاریخ الرسل و الملوك طبری روایتی آورده: «در مدت دوازده سال، ربع سکون را مسخر کرده. چون ابنای ملوک عجم در خدمت او کمر بستند، اسکندر از ایشان خالف شده به صواب‌دید ارسطاطالیس که معلم اولش گفتند و وزیر او بود، هریک را حاکم ولایتی کرده بود.»

تاریخ سیاقی یا تاریخ پادشاهان عجم / مریم شاه‌حسینی

در ادامه، نویسنده جریان تاریخی پادشاهان عجم ایران را بیان کرده و در لابه‌لای آن، از ملوک عرب و خلفای اسلامی سخن گفته و در جایی هدف خود را از بیان تاریخ ملوک محلی معاصر^۱ با عباسیان بیان داشته است: «اگرچه از باب تواریخ ایشان را داخل پادشاهان ذوی نشان ملک عجم نشمرده‌اند و اخبار ایشان را در ضمن احوال بنی‌عباس ذکر کردند، ولیکن چون حکومت بعضی از ممالک ایران کرده‌اند، اسامی برخی احوال ایشان نوشته می‌شود تا صفت و سیرت هر یک، به طرق اجمل معلوم باشد.»
او سخنی از مرعش‌بان، مشعشعیان، حروفیه، اخباریه و نظایر آن نگفته و احتمالاً به اقتضای محدوده زمانی کتاب یا برای جلوگیری از اطناب، از بیان آن خودداری ورزیده است.

مورخ درباره وجه تسمیه اسامی شاهان^۲ و هم‌چنین از علایق آنها به شعر و شاعری^۳ و در مواردی از توجه به علم نجوم و طالع‌بینی^۴ سخن گفته است؛ علاوه بر این، برای پر بار کردن تاریخ خود یا درک بهتر خواننده، اشعاری از فردوسی^۵ و حدیثی را از پیامبر (ص) آورده است. برای مثال، در جایی برای نکوهش از میرزا عبداللطیف بن میرزا آغ‌بیک به سبب کشتن پدرش، شعری از نظامی آورده است:

پدر کش، پادشاهی را نشاید اگر شاید، به جز شش مه نیاید

بیان این بیت شعر، حاکی از آن است که مورخ سعی داشته به دور از هر گونه اطناب و زیاده‌گویی، هرگونه اطلاعاتی را که برای خواننده لازم است، ارائه دهد؛ لذا به بیان اطلاعات سیاسی اکتفا ننموده، بلکه عقاید، آرا و علایق سلاطین و پادشاهان را در لایه لای تاریخ سیاسی شرح داده است.

در ادامه، خاندان صفویه را به عنوان اولین حکومت شیعی مستقل در ایران، به تفصیل توضیح داده و سلسله نسب خاندان صفویه را به صورت فهرست‌وار از شیخ صفی تا امام موسی کاظم (ع)، در مبحث مربوط به شاه اسماعیل آورده است. مورخ برخلاف سایر سلسله‌ها و خاندان‌ها، به مدح و ثنای آل شیخ صفی‌الدین

۱. این حکومت‌های محلی، از طاهریان تا قراخطاییان را در بر دارد.

۲. در مورد اتسز خوارزمشاه چنین گفته است: «چون بسیار لاغر و ضعیف اندام بود، گویا گوشت در بدنش نبود، لهذا او را اتسز خواندند، یعنی بی‌گوشت.»

۳. این بیت شعر از پادشاه خواتون (خاتون) از قراختایان کرمان، نمونه آن است:

آن روز که در ازل نشانش کردند آسایش جان بی‌دلانش کردند

دعوی به لب نگار می‌کرد نبات زان روی سه‌میخ در دهانش کردند

۴. «در زمان طغرل در سنه ۵۷۲ ه. ق. هفت کوب سیاره در سیم درجه میزان در یکه قیغه جمع شدند و آن اولین قران بود از مثلثه هوایی. منجمین قتل عام و غارت که در زمان چنگیزخان در ایران و توران واقع شد، از تأثیر و نتایج آن گفته‌اند؛ خدا داناست. (و الله اعلم بالصواب صح)»

۵.

نخستین خدیوی که کشور گشود سر تاجداران، کیومرث بود

۶. «رستگار نیستند قومی که امر ایشان، سنت به زنی باشد.»

پرداخت. برای نمونه، در وصف شاه اسماعیل آورده است: «و آن حضرت، پادشاهی بود در نهایت عظمت و جلال و شجاعت و در صلابت و مهابت چنان بود که ارکان دولت را در بار بارگاهش، بار نبود و در کرم و جود، با شیخ عطا‌های حاتم طائی و معن بن زائده بود.»

او درباره ارباب علیّه روسیه، رومیه، سرخای خان لکزی و ترکمانیه و قیام‌های عهد نادری، اطلاعاتی بیان داشته که حائز اهمیت است. به طور کلی، تاریخ نزدیک به زمان خود را به صورت مفصل شرح داده است. او درباره فتحعلی شاه قاجار و مشکلات وی در آغاز حکومت و مدعیان سلطنت که با وی در نزاع بودند؛ همچنین درباره همسایگانی مثل ازبکان و عثمانی‌ها یا روابط با دولت‌های اروپایی مثل فرانسه، انگلیس و جنگ‌های ایران و روس و اقدامات زمان شاه درآنی در شرق ایران، همانند دیگر کتب تاریخی، توضیحاتی ارائه داده است. او بخش فتحعلی شاه را نیمه تمام رها کرده و در این میان، حدود چهار برگه سفید و بدون متن باقی مانده که به نظر می‌رسد قصد داشته ادامه آن را بنویسد.

در پایان کتاب، بخشی به موضوع زوجات فتحعلی شاه قاجار اختصاص یافته و اطلاعاتی درباره تعداد اولاد مذکر و مؤنث و مجرد و متأهل بودنشان ارائه شده است. مورخ در شرح احوال محمد شاه قاجار، به بیان صفات و سجایای او پرداخته است که به طور نیمه تمام مانده؛ البته نویسنده قصد اتمام تاریخ دوران پادشاهی او را داشته که متأسفانه موفق به تحریر آن نشده است.

در صفحات پایانی کتاب، اطلاعاتی راجع به خواندن برخی ذکرها و ادعیه توصیه شده که در زندگی روزمره برکاتی دارد، همچنین اسامی برخی از داروها برای درمان بیماری ذکر شده که نمی‌دانیم انگیزه مورخ از ذکر آن، چه بوده است.

مجلدات موجود

قدیمی‌ترین نسخه تاریخ سیاقی (موجود در کتابخانه ملی)، مربوط به قرن یازدهم هـ. ق است که تاریخ را از پادشاهی کیومرث تا سال ۱۰۵۱ شرح داده است.

کتابت قرن ۱۲ هـ. ق. (کتابخانه ملی)، از کیومرث تا اوضاع بعد از لطفعلی خان زند.

کتابت قرن ۱۲ هـ. ق. (کتابخانه ملی)، از هبوط آدم تا وقایع سال ۱۱۷۸ هـ. ق.

کتابت قرن ۱۲ هـ. ق. (نشریه کتابخانه مرکزی)، از کیومرث تا سال ۱۲۵۰ هـ. ق.

کتابت قرن ۱۲ هـ. ق. (کتابخانه ملی)، از هبوط آدم (ع) تا ۱۲۵۶ هـ. ق.

کتابت اواخر قرن ۱۳ هـ. ق. (کتابخانه مرکزی)، از کتابت قرن ۱۲ هـ. ق. (موجود در کتابخانه ملی)، از آغاز پیشدادیان تا دوره نادرشاه افشار

کتابت قرن ۱۳ هـ. ق. (کتابخانه مجلس)، از کیومرث تا سال ۱۲۴۹ هـ. ق.

کتابت قرن ۱۳ هـ. ق. (کتابخانه ملی)، از کیومرث تا محمد شاه قاجار

کتابت قرن ۱۳ هـ. ق. (کتابخانه ملی)، از کیومرث تا اوایل فتحعلی شاه قاجار

کتابت قرن ۱۳ هـ. ق. (نشریه کتابخانه مرکزی)، از کیومرث تا شاه سلطان حسین صفوی



